

## سلسله‌مراتب طرح‌واره‌ای در پیکربندی اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی در صرف ساختی بوی

کوروش کریمی<sup>۱</sup>، آرزو نجفیان<sup>۲</sup>، راضیه مهدی بیرق‌دار<sup>۳</sup>، سید محمد حسینی معصوم<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: k\_karimi@student.pnu.ac.ir

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: a.najafian@pnu.ac.ir

۳. استادیار زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: raziehmahdibeyraghdar@pnu.ac.ir

۴. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: hosseinimasum@pnu.ac.ir

### چکیده

جستار حاضر در تلاش است تا با اتخاذ روش تحلیلی – توصیفی و بهره‌گیری از امکانات صرف ساختی بوی (۲۰۱۰) سلسله‌مراتبی طرح‌واره‌ای حاکم بر صورت‌بندی اسم‌های مرکب برون‌مرکز در کردی سورانی را کشف کرده و به مدلی کلی از نظام مفهوم‌ساز ناظر بر آنها دست یابد. در وهله نخست داده‌های پژوهش شامل ۱۴۰۰ اسم مرکب از فرهنگ‌های کردی- فارسی هه‌نبانه بورینه (شرف‌کنندی، ۱۳۶۹) و فرهنگ فارسی- کردی دانشگاه کردستان (۱۳۹۲) به صورت تمام‌شمار استخراج شد. در مرحله دوم با استفاده از آزمون هسته‌مندی و شمول معنایی اسکالیز و گویورا (۲۰۱۱) و همچنین شم زبانی دو تن از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی، ۸۴۲ نمونه‌شدگی یعنی بالغ بر ۶۰ درصد از کل داده‌ها برون‌مرکز تشخیص داده شدند. سپس با استفاده از ابزار نظری پژوهش و اتکاء بر نمونه‌شدگی‌های مورد بررسی، یک کلان‌طرح‌واره، ۱۲ طرح‌واره‌های میانی و ۵۴ ریزطرح‌واره حاکم بر اسم‌های مرکب برون‌مرکز ترسیم شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که صرف قرارگرفتن واژه ذیل عنوان برون‌مرکز به معنای گسیختگی در انگیزش و انسداد کامل رابطه میان صورت و معنا در تمامی موارد نبوده بلکه این امر طیفی از ترکیب‌هایی با تیره‌گی معنایی کمتر تا ترکیب‌های مطلقاً تیره را در بر می‌گیرد. شایان ذکر است که وجود ترکیب‌های فاقد هسته اسمی را می‌توان نشانه‌ای دال بر عدم تاثیرپذیری مقوله واژگانی برون‌داد از سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت به حساب آورده و این امر را در قالب تراوش مشخصه‌های طرح‌واره حاکم بر نمونه‌شدگی‌های تحت تسلط تفسیر کرد. به بیان دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که طرح‌واره‌ها هم بر تعیین مشخصه‌های صوری ساخت و هم بر تعیین حدود معنایی آنها تاثیرگذار هستند.

**واژگان کلیدی:** ترکیب برون‌مرکز، صرف ساختی، اسم‌های مرکب، کردی سورانی، سلسله‌مراتب طرح‌واره‌ای.

اغلب زبان‌شناسان ترکیب<sup>۱</sup> را فرایندی معرفی می‌کنند که در آن دو واژه<sup>۲</sup> برای خلق کلمه‌ای جدید با همدیگر پیوند می‌یابند. البته به دست دادن تعریفی جامع و مانع از ترکیب در عین سادگی واجد پیچیدگی‌های خاصی نیز می‌باشد. اسمیت (۲۰۱۴) ترکیب را به سبب تلاقی حوزه‌های نحو، ساختواژه و واج‌شناسی در یک واحد واژگانی از پرچالش‌ترین عرصه‌ها در مطالعات ساختواژی معرفی می‌کند. لذا می‌توان تعریف ترکیب را به لحاظ صوری ( کلمه حاصل از به هم پیوستن دو واحد واژگانی آزاد) امری سهل و از جنبه گوناگونی و تنوع در کاربرد، مفهومی ممتنع معرفی کرد. گذشته از این امر عمومیت و گستردگی کاربرد فرایند ترکیب در ساختواژه زبان‌های دنیا تا جایی است که زبان‌شناسان بسیاری همچون (آیخنوالد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۲۴؛ درسلر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶: ۲۳؛ فرامکین و دیگران<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶: ۵۴-۵۵ و لایبن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶: ۲) از آن با عنوان یکی از جهانی‌های زبان<sup>۷</sup> نام می‌برند. البته زبانشناسانی همچون اشتکاور<sup>۸</sup>، والریا<sup>۹</sup> و کورتولوسی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۲) این تعمیم کلی را به چالش کشیده و از زبان‌هایی مانند گرینلندی غربی، دیولا فوگنی<sup>۱۱</sup> «زبانی که در کنگو، گامبیا و سنگال بدان تکلم می‌شود» کواکوالا<sup>۱۲</sup> «زبان ناحیه واکاشان در شمال آمریکا» و همچنین کاراو<sup>۱۳</sup> «در منطقه اقیانوسیه» به‌عنوان زبان‌های فاقد ساخت مرکب نام می‌برند.

یکی از شاخص‌های اصلی در دسته‌بندی اسم‌های مرکب وجود هسته معنایی<sup>۱۴</sup> در ساخت است که سبب مطرح شدن دوگانه ترکیب‌های درون‌مرکز<sup>۱۵</sup> و برون‌مرکز<sup>۱۶</sup> می‌شود. بدین ترتیب که هرگاه میان واژه مرکب و یکی از سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت رابطه شمول معنایی<sup>۱۷</sup> برقرار باشد، جزء موردنظر هسته معنایی و ترکیبی که در آن تظاهر یافته

---

۱ compounding

۲ Lexeme

۳ Aikhenvald

۴ Dressler

۵ Fromkin et al.

۶ Libben

۷ linguistic universal

۸ Stekauer

۹ Pavol

۱۰ Körtv lyessy

۱۱ Diola Fogny

۱۲ Kwakw'ala

۱۳ Karao

۱۴ semantic head

۱۵ endocentrics

۱۶ exocentrics

۱۷ hyponymy

واژه‌ای درون‌مرکز خواهد بود (باوئر<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۰: ۱۶۷). به عبارت دیگر ترکیب‌های دارای هسته معنایی، ترکیب‌هایی درون-مرکز و ساخت‌های فاقد هسته معنایی ترکیب‌های برون‌مرکز قلمداد می‌گردند. لازم به ذکر است که سخن از هسته‌مندی بدینجا ختم نمی‌شود بلکه هر ترکیب اسمی را می‌توان علاوه بر تظاهر هسته معنایی در ساخت از منظر وجود هسته صوری<sup>۱۹</sup> نیز مورد بررسی قرار داده و مقوله واژگانی آن را در قالب تراوش<sup>۲۰</sup> مشخصه‌های جزء هسته در کل توضیح داد. برای نمونه بوی (۲۰۰۷) در توضیح این نکته از زبان انگلیسی به عنوان یک زبان هسته‌پایان چنین استدلال می‌آورد که طبقه واژگانی [stick]<sub>N</sub> در ترکیب [[lip]<sub>N</sub> [stick]<sub>N</sub>]] به کل کل واژه مرکب سرایت کرده و به همین سبب هسته صوری ساخت به حساب می‌آید؛ اما این کلمه حتی با وجود داشتن هسته صوری نیز ترکیبی برون‌مرکز است چراکه معنای مستفید از ترکیب را نمی‌توان زیرشمول<sup>۲۱</sup> هسته صوری یا [stick]<sub>N</sub> قلمداد کرد. اما در دیگر دست ترکیب [[arm]<sub>N</sub> [chair]<sub>N</sub>]] ساختی درون‌مرکز محسوب می‌شود چون‌که هسته صوری همان هسته معنایی ساخت بوده و armchair (صندلی دسته‌دار) هم از طبقه اسم و هم نوعی chair (صندلی) است. به همین سبب وی هسته‌مندی ساخت مرکب را محدود به مطابقت مشخصه‌های صوری نمی‌داند بلکه برای تشخیص واژه هسته استفاده از مشخصه‌های معنایی را در اولویت قرار می‌دهد. با این توضیح از دیدگاه بوی ترکیبی که هسته صوری و معنایی یکی باشد درون-مرکز و در غیر این صورت ترکیب از نوع برون‌مرکز خواهد بود (همان: ۷۷).

البته شایان ذکر است درون‌مرکز یا برون‌مرکز بودن ناشی از هسته‌مندی ترکیب صرفاً بر دسته‌بندی این گروه از کلمات پیچیده تاثیرگذار نبوده و این دوگانگی در عرصه‌های دیگری همچون فراوانی پژوهش‌های انجام گرفته نیز مشهود است. برای نمونه با نگاهی به کمیت پژوهش‌های ساختوازی در رابطه با واژه‌های مرکب می‌توان به روشنی دریافت اغلب این آثار با محوریت ترکیب‌های درون‌مرکز انجام گرفته درحالی‌که ترکیب‌های برون‌مرکز نادیده گرفته شده و تلاش چندانی برای تحلیل و دسته‌بندی آنها به انجام نرسیده است. درسلا<sup>۲۲</sup> علت اقبال کمتر به بررسی ساختوازی این گروه از ترکیب-ها را ناشی از کم‌تعداد بودن آنها نسبت به واژگان درون‌مرکز می‌داند. نکته جالب توجه این‌که حتی در منابع شناختی نظیر هم‌اوند<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۱) نیز با وجود پیشینه مطالعاتی غنی در خصوص تحلیل اسم‌های مرکب، از بررسی کلمات برون-مرکز چشم پوشی شده است. این نادیده‌انگاری تا جایی است که اسکالیز و گویوارا (۲۰۱۱) از آن با عنوان قلمرو ناشناخته در بررسی واژه‌های حاصل از فرایند ترکیب نام می‌برند (همان: ۱۸۵).

<sup>۱۸</sup> Bauer

<sup>۱۹</sup> formal head

<sup>۲۰</sup> percolation

<sup>۲۱</sup> Hyponymy

<sup>۲۲</sup> Dressler

<sup>۲۳</sup> Hamavand

در اینجا بایستی خاطرنشان کرد یکی از عمده‌ترین دلایل مهجور ماندن تحلیل اسم‌های مرکب برون‌مرکز می‌تواند ناشی از این تلقی باشد که بسامد آنها در مقایسه با نمونه‌شدگی‌های<sup>۲۴</sup> درون‌مرکز به مراتب کمتر است. حال آن‌که در بررسی‌های اولیه پژوهش حاضر مشخص شد این امر در رابطه با برخی زبان‌ها از جمله کردی سورانی صادق نیست. بدین ترتیب که از مجموع ۱۴۰۰ اسم مرکب بازشناسی شده در این گویش، تعداد ۸۴۲ نمونه‌شدگی یعنی بالغ بر ۶۰ درصد از کل داده‌ها برون‌مرکز بوده و تنها ۴۰ درصد باقی مانده در دسته اسم‌های مرکب درون‌مرکز جای دارند. با این توضیح هدف اصلی از جستار حاضر گشودن فصلی نوین در توصیف الگوهای ترکیب، تفسیر روابط معنایی میان اجزاء و در نهایت ارائه دسته‌بندی مستدلی از اسم‌های مرکب برون‌مرکز در کردی سورانی با بهره‌گیری از آموزه‌های صرف ساختی می‌باشد. به عبارت دیگر در صورت دستیابی به این اهداف می‌توان از آنها در دست‌یابی به نظام طرح‌واره‌ای حاکم بر اسم‌های مرکب برون‌مرکز و بازنمایی سلسله‌مراتب واژگانی<sup>۲۵</sup> نزد گویشور کردی سورانی بهره برد.

البته همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد گونه مورد بررسی در این پژوهش گویش سورانی از زبان کردی می‌باشد. لازم به ذکر است که در رابطه با گویش‌های زبان کردی دسته‌بندی‌های متنوعی ارائه شده است که از جمله پراستنادترین آنها می‌توان به دسته‌بندی بلو<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۲) اشاره کرد. بلو قائل به سه شاخه گویشی اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی برای زبان کردی می‌باشد. همان‌گونه که پیداست وی در شیوه نامگذاری خود از گستره جغرافیایی مناطق کردنشین مجاورتی که میان مرزهای سیاسی کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه قرار دارند بهره گرفته است. بدین ترتیب که به لحاظ توزیع جمعیتی، غالب گویشوران شاخه شمالی (کرمانجی) در نواحی شمالی این منطقه (بخش‌های جنوبی و شرقی کشورهای ترکیه، سوریه و همچنین شمال غرب ایران و شمال کردستان عراق) ساکن هستند، شاخه دوم یا سورانی گویش غالب در نواحی مرکزی مناطق کردنشین یعنی شمال شرقی کشور عراق و بخش عمده‌ای از کردستان ایران محسوب می‌گردد و گروه جنوبی شامل مجموعه گویش‌های کلهری، فیلی، خانقینی و کاکه‌ای است که در استان‌های غربی ایران همچون کرمانشاه، ایلام و خانقین در کردستان عراق بدان تکلم می‌شود (همان: ۱-۲).

## ۲- پیشینه پژوهش

بررسی ساختار زبان کردی در چارچوب‌های متنوع و توسط زبان‌شناسان بسیاری به انجام رسیده است. برای نمونه مک‌کاروس<sup>۲۷</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی به تحلیل الگوهای تصریفی و اشتقاقی در ساختار زبان کردی سورانی پرداخته

<sup>۲۴</sup> instantiations

<sup>۲۵</sup> hierarchical lexicon

<sup>۲۶</sup> Joyce Blau

<sup>۲۷</sup> McCarus, E. M.

است. کاراچان و خالید<sup>۲۸</sup> در مقاله خود به سال (۲۰۱۶) برخی صفت‌ها گویش‌های کرمانجی، سورانی و زازاکی را به لحاظ ساختواژی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. فتاح و هماوند<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۴) نیز بر اساس الگوی پیش‌نمونه توضیح مبسوطی را بر پیشوندهای منفی و مثبت این زبان نگاشته‌اند. والت<sup>۳۰</sup> (۲۰۱۲) نیز در اثری ساخت صرفی نشانگرهای حرکتی شخص در کردی سورانی را مورد بررسی قرار داده است. البته سهم تحلیل‌های مبتنی بر صرف ساختی بوی در مطالعه ساختواژه زبان کردی بسیار اندک و محدود به دو مورد ذیل می‌باشد: دیوانی و قطره (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تصریف فعل در کردی سنندجی در چارچوب ساختواژه ساختی» به تحلیل ساخت‌های تصریفی فعل ساده در زبان کردی پرداخته و بر این عقیده‌اند که طرح‌واره‌های مرتبه دوم قادر به برقراری رابطه میان سازه‌های تصریفی فاقد پایه مشترک و توضیح آنها می‌باشند. کریمی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در جستاری با عنوان «بازخوانی مفهوم ترکیب در ساختواژه کردی سورانی: بررسی اسم‌های مرکب درون‌مرکز در صرف ساختی» توانسته‌اند با تحلیل ساختی ۵۵۹ ترکیب درون‌مرکز به یک کلان‌طرح‌واره، سه طرح‌واره میانی و پنج ریزطرح‌واره دست‌یابند. ایشان در بخش دیگری از مقاله دلیل عمده تنوع طرح‌واره‌ای اسم‌های مرکب کردی سورانی را نتیجه عواملی همچون جایگاه آزاد هسته، تنوع طبقه واژگانی سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت و توالی آنها می‌دانند.

البته شمار پژوهش‌های ساختواژی مبتنی بر صرف ساختی در زبان فارسی چه به لحاظ تعداد و چه تنوع، طیف گسترده‌تری را شامل می‌شود. از جمله این آثار می‌توان به مقاله‌های صفری و نیک نسب (۱۳۹۹)، بامشادی و انصاریان (۱۳۹۹) و عباسی (۱۳۹۶) اشاره کرد که ضمن معرفی مبانی نظری چارچوب مورد بحث کارآیی آن را در تحلیل‌های ساختواژی به آزمون گذاشته‌اند. علاوه بر این برخی دیگر از پژوهش‌گران همانند رزم‌دیده و شاهی راویز (۱۴۰۰)، بهرامی خورشید و یزدانی مقدم (۱۴۰۰)، شاهوردی شهرکی و همکاران (۱۳۹۸) نیز از این رویکرد در تحلیل صورت‌بندی فعل و همچنین بهرامی خورشید و قندی (۱۳۹۹)، عظیم‌دخت و رفیعی (۱۳۹۸) و رفیعی و رضایی (۱۳۹۸) از آن در تحلیل کلمات حاصل از فرایند اشتقاق بهره برده‌اند.

ایمانی و رفیعی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «چندمعنای ترکیبات چشم در زبان فارسی: رویکرد صرف ساختی» به تحلیل الگوهای ساختواژی [چشم - X] و [X - چشم] می‌پردازد. ایشان با توجه به چندمعنایی نهفته در این الگوها به این امر پی برده‌اند که رابطه چندمعنایی‌شدگی سامان‌مندی در این گروه از واژه‌ها برقرار نیست، علاوه بر این ایشان با بررسی در زمانی ترکیب‌های حاوی جزء چشم در متون فارسی دریافته‌اند که در تظاهر هر دو گونه مورد بحث هیچ تقدم و تاخر زمانی برقرار نمی‌باشد.

۲۸ Karacan, H. and Khalid, H. S.

۲۹ Fatah, A., & Hamawand, Z.

۳۰ Walther, G.

ایمانی و رفیعی (۱۳۹۸) در مقاله دیگری با عنوان «تحلیلی ساخت محور از ترکیبات نام‌اندام «سر» در زبان فارسی» ضمن بازشناسی ۱۷۸ ترکیب با الگوی واژه‌سازی [sar-X]، آن‌ها را در چهار مقوله معنایی از جمله «صفت عاملی»، «صفت ساده»، «اسم شغل» و «اسم غیر شغل» طبقه‌بندی کرده و در نهایت به این امر اشاره دارند که در اکثر این ساخت‌ها جزء «سر» در معنایی به غیر از معنی واقعی خود به مثابه (بالاترین عضو بدن) قرار گرفته و بیشتر مراد از آن معنای مجازی و استعاری است.

عظیم دخت و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی تنوع‌های معنایی واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال «یاب» در پیکره‌های درزمانی و همزمانی به زبان فارسی دریافته‌اند که تمامی واژه‌های حاصل از درج پسوند موردنظر در دو مقوله واژگانی صفت و اسم قابل دسته‌بندی بوده و بیشترین فراوانی واژه‌های دارای جزء «یاب» در زبان فارسی به کلماتی مربوط می‌شود که در آن‌ها [ستاک حال- «یاب»] حضور دارد. در دیگر دست شکل‌گیری دو مفهوم عامل و ابزار در زبان فارسی را می‌توان تا حد زیادی متأثر از ترجمه قرضی واژه‌های زبان انگلیسی دانست. در نگاهی کلی‌تر اما می‌توان چنین استنباط کرد که تظاهر طبقه معنایی «شخص» و «ابزار» حاصل حذف هستار انسانی یا شی است که بدان کار گماشته شده، در نتیجه اغلب این کلمات به «شخص انجام دهنده عمل مورد اشاره در مفهوم جزء اول و یا ابزار مرتبط با آن» دلالت دارند.

ایمانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیلی ساخت محور از ترکیب‌های نام اندام «دل» در زبان فارسی» با هدف بررسی ساخت‌های [دل-X] در چارچوب صرف ساختی بوی (۲۰۱۰) به تحلیل الگوی واژه‌سازی، تنوع معنایی و طرح-واره‌های ناظر بر این گروه از واژگان پرداخته‌اند و در نهایت یک طرح‌واره ساختی عمومی و سه زیرطرح‌واره فرعی را معرفی می‌کنند. ایشان ضمن معرفی طرح‌واره‌ها بر این امر تأکید دارند که الگوی [دل-X] در اصل ساختی صفت ساز (ویژگی ساز) و چندمنظوره بوده و کاربرد برخی محصولات آن در مقوله اسم به واسطه فرآیند تبدیل به وقوع پیوسته است.

### ۳- روش پژوهش

مقاله پیش‌روی پژوهشی است توصیفی-تحلیلی بر مبنای چارچوب صرف ساختی بوی (۲۰۱۰) که در دو مرحله و با تکیه بر داده‌های مستخرج از فرهنگ‌های کردی - فارسی هه‌نانه بورینه عبدالرحمن شرفکندی (۱۳۶۹) و فرهنگ فارسی - کردی سه‌جلدی دانشگاه کردستان (۱۳۹۲) به صورت تمام‌شمار انجام شده است. در مرحله نخست (گردآوری داده‌های پژوهش) ۱۴۰۰ اسم مرکب بازشناسی و با استفاده از آزمون شمول معنایی اسکالیز و گویورا (۲۰۱۱) و همچنین شم زبانی دو تن از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی، تعداد ۸۴۲ نمونه‌شدگی یعنی بالغ بر ۶۰ درصد از کل داده‌ها ترکیب اسمی برون‌مرکز تشخیص داده شدند. در بخش تجزیه و تحلیل و به منظور دستیابی به نظام طرح‌واره‌ای و الگوی پیکربندی صوری حاکم بر ترکیب‌های مورد بررسی ابتدا سازه‌های مشارکت‌کننده در هر ساخت مقوله‌بندی و بر

همین اساس در صفحات گسترده جداگانه به تفکیک درج گشته و در گام بعدی حوزه‌های مفهومی هر کدام با توجه به معنای ارجاعی آن مشخص شد. در نهایت با در نظر گرفتن اصل قابلیت تعمیم‌پذیری به کل نمونه‌شدگی‌های تحت حاکمیت، ابتدا کلان طرح‌واره سپس طرح‌واره‌های میانی و در نهایت ریزطرح‌واره‌های ناظر بر داده‌های مورد بررسی ترسیم گشت.

#### ۴- مبانی نظری

مفهوم ساخت جزو مفاهیم سنتی در زبان‌شناسی نظری تلقی می‌گردد که اخیراً در قالب نظریه دستور ساختی<sup>۳۱</sup> دوباره مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم ساخت در این دستور به تاسی از نشانه در سنت سوسوری به مثابه جفت‌شدگی<sup>۳۲</sup> صورت و معنا در نظر گرفته می‌شود با این تفاوت که در دستور ساختی نشانه طیف وسیع‌تری از کلمات را در بر گرفته و شامل تمامی واحدهای معنمند واژگانی و نحوی با درجات متفاوتی از پیچیدگی می‌شود (گلدبرگ ۲۰۰۹). در واقع صرف ساختی را می‌توان به روشنی در زمره نحله‌های وامدار از زبان‌شناسی شناختی به حساب آورد که در آن طرح‌واره‌ها به مثابه بازنمایی انتزاعی واحدهای ساختوازی نقش کلیدی را در تحلیل برعهده دارند. علاوه بر این از دیگر فصول مشترک میان دستورهای شناختی و دستور ساختی می‌توان باورمندی به معنا و هویت مستقل ساخت صرف نظر از اجزاء تشکیل‌دهنده آن‌ها اشاره کرد. در واقع صرف ساختی در تلاش است تا با اتکاء بر طرح‌واره‌های انتزاعی به تبیین معنایی و تعمیم‌های پیش‌بینی پذیر دست یابد. همین عامل سبب شده که در این رویکرد نتوان مرز مشخصی میان ساخت نحوی و ساخت‌های صرفی و همچنین اشتقاق و ترکیب ترسیم کرد (ر. ک بوی: ۲۰۰۹، ۱۷).

#### ۴-۱- صرف ساختی

صرف ساختی<sup>۳۳</sup> از جمله رویکردهای واژه‌بنیاد به ساختوازه محسوب می‌گردد که در آن هر کلمه پیچیده یک ساخت در نظر گرفته شده و مانند دو روی یک سکه متشکل از صورت واجی<sup>۳۴</sup> و مشخصه‌های واژی-نحوی<sup>۳۵</sup> است. به عبارت دیگر در این رویکرد می‌توان صرف را دستور زبان واژگان نامید، چرا که در بطن هر واحد واژگانی<sup>۳۶</sup> مجموعه‌ای از اطلاعات وا(جی)، نحو(ی) و م(عنایی) «وانحوم» قرار داد (بوی، ۲۰۱۰: ۵). از دیگر ویژگی‌های که صرف ساختی را به-

<sup>۳۱</sup> Construction Grammar/ CxG

<sup>۳۲</sup> pairing

<sup>۳۳</sup> Construction Morphology

<sup>۳۴</sup> phonological form

<sup>۳۵</sup> morphosyntactic features

<sup>۳۶</sup> lexical unit

عنوان چارچوبی شناخت‌بنیان از رویکردهای دیگر متمایز می‌دارد قائل بودن به مدخل انباشته<sup>۳۷</sup> برای واژگان ذهنی در نزد اهل زبان است. رفیعی و ترابی (۱۳۹۳) به نقل از بوی (۲۰۱۳) حافظه واژگانی گویشور را آن‌چنان وسیع می‌دانند که نیازمند به حذف هیچ بخشی از واژه جهت در اختیار قرار دادن فضای کافی برای به خاطر سپاری کلمات دیگر نیست. با این تلقی، در واژگان ذهنی<sup>۳۸</sup> علاوه بر صورت کلمات تمامی مشخصه‌های واژی-نحوی نیز ثبت می‌گردد (همان: ۵۳). در واقع طرح‌واره‌ها الگوهای ساختواژی کلی هستند که بر تمامی واژگان پیچیده موجود حاکمیت داشته و حتی می‌توانند بعنوان الگوی عملی در خلق نوواژه‌ها نیز قرار گیرند. بوی، فرآیندهای ساختواژی در این رهیافت را همان طرح‌واره‌هایی می‌داند که بصورت استقرایی در ذهن زبان‌آموز شکل گرفته‌اند. به عبارت دیگر صرف ساختی برخلاف نحله‌های کلاسیک در این حوزه به جای قواعد ساختواژی از طرح‌واره‌ها برای به عینیت درآوردن روابط انتزاعی نظام‌مند میان صورت و معنای کلمات پیچیده بهره می‌گیرد (بوی، ۲۰۰۷: ۳۴).

#### ۴-۲- جایگاه طرح‌واره‌ها در تحلیل‌های ساختی

صرف ساختی برخلاف مدل‌های قاعده بنیاد شرط لازم برای ورود به تحلیل کلمه‌های پیچیده را صرفاً منوط به بازشناسی جزء هسته نمی‌داند. در این رویکرد ساخت بیش و پیش از هر چیز تحت تاثیر طرح‌واره حاکم بر خود قرار دارد. به بیان دیگر صرف ساختی به جای استفاده از قواعد ساختواژی سعی دارد تا با استفاده از طرح‌واره‌ها و با تکیه بر واژه‌های موجود در زبان به بازنمایی صحیحی از مطابقت نظام‌مند میان صورت و معنا دست یابد (بوی، ۲۰۰۷: ۳۴). برای نمونه طرح‌واره شماره (۱) فارغ از ویژگی‌های صوری و معنایی هسته قابلیت تعمیم به تمامی اسم‌های مرکب در زبان هسته‌پایان<sup>۳۹</sup> مفروض «Z» را دارا می‌باشد. لازم به ذکر است که متغیر X در این طرح‌واره نماینده مقوله‌های واژگانی اصلی مانند اسم، فعل، صفت بوده و هرکدام از متغیرهای a و b نیز نشان‌گر توالی‌های واجی یا صورت بیانی کلمه می‌باشد.

$$(1) [[a]_{xi}[b]_{Nj}]_{Nj} \leftrightarrow [SEM_j \text{ with the relation } R \text{ to } SEM_i]_j$$

لازم به ذکر است که در این انگاره هرکدام از نمایه‌های<sup>۴۰</sup> i، j و k شاخص‌های واجی، نحوی و معنایی سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت می‌باشند. معنای کلی ترکیب نیز در سمت راست پیکان دوسر درج شده و R بیان‌گر رابطه معنایی میان هردو سازه و تفسیر آن متأثر از اجزاء مشارکت‌کننده، دانش دایره‌المعارفی و بافت گفتمانی می‌باشد. شایان

<sup>۳۷</sup> Full Entry Theory

<sup>۳۸</sup> lexicon

<sup>۳۹</sup> right head

<sup>۴۰</sup> index



ذکر است که در طرح‌واره بالا بازنمایی مطابقت مشخصه‌های نقشی مانند صورت تصریفی، جنس (اگر که در زبان موجود باشد) و شمول معنایی با جزء هسته و در پی آن درون‌مرکز بودن ساخت مرکب مورد بررسی به‌واسطه هم‌نمایی این دو نشان داده شده است (بوی، ۲۰۱۰: ۱۷).

#### ۴-۳- ترکیب‌های برون‌مرکز در صرف ساختی

بوی (۲۰۰۲) اسم‌های مرکب برون‌مرکز را شعبه‌ای از ترکیب‌های درون‌مرکز معرفی می‌کند که یکی از اجزاء آن حذف شده اما در واقع معنای جزء غایب به صورت مستتر در ساخت کدگذاری می‌شود. این ویژه بودن از لحاظ معنایی در قالب رابطه مجاز (در یک لایه معنایی نهان) یعنی بیان قسمتی از یک ماهیت برای اشاره به کل قابل توضیح است (همان: ۴۳). بنابراین صرف ساختی با تکیه بر این تلقی امکان ترسیم طرح‌واره و توضیح روابط معنایی موجود میان سازه‌های مشارکت‌کننده برای ساخت‌های برون‌مرکز را با قائل شدن به جزء محذوف یا فراترکیب<sup>۴۱</sup> فراهم می‌آورد. با این توضیح می‌توان اسم‌های برون‌مرکز را در صرف ساختی با استفاده از طرح‌واره شماره (۲) توصیف و تفسیر کرد.

$$(2) \text{ (آیا، ۲۰۱۷: ۱۵۴) } [SEM_i | SEM_j]_k \leftrightarrow [X]_{Ai} [Y]_{Bj}]_{Nk}$$

بدین ترتیب در بازنمایی معنایی (سمت راست پیکان دوسر  $\leftrightarrow$ ) می‌بینیم که SEM بدون نمایه داخل [قلاب] ضمن قرار گرفتن در طبقه اسم با هیچ‌کدام از اجزاء حاضر در بازنمایی صوری هم‌نمایه نیست. یعنی در واقع SEM همان جزئی است که به واسطه رابطه مجاز حذف شده اما معنای آن در لایه بیرونی از ساخت به قوت خود باقی است و به همین سبب از آن با عنوان جزء فراترکیب نام برده می‌شود. نکته دیگر جای دادن سازه‌های دارای تظاهر واجی در ساخت داخل کمانک و با درج علامت ( | ) حائل در میان‌شان، حاکی از این است که جزء فراترکیب به صورت اختیاری می‌تواند با هریک از سازه‌ها یا هر دو دارای پیوند معنایی باشد. البته حالت دیگر عدم دسترسی جزء فراترکیب به داخل ساخت است که در این صورت می‌توان گفت ساخت در تیره‌ترین انتهای طیف معنایی قرار دارد (همان).

#### ۴-۴- معیار تشخیص نوع ترکیب

همان‌گونه که پیشتر گفته شد فصل ممیز اسم‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز هسته‌مندی ترکیب است. به عقیده کاتامبا (۱۹۹۳) تمامی واژه‌های مرکب به لحاظ صوری هسته‌مند تلقی می‌گردند لذا بر این اساس هر واژه مرکب دارای یک هسته صوری و یک جزء وابسته/ توصیف‌گر<sup>۴۲</sup> خواهد بود. هسته صوری واژه مرکب سازه‌ای است که ویژگی‌های

<sup>۴۱</sup> Extra Composition Element

<sup>۴۲</sup> modifier

نحوی خود مانند طبقه واژگانی و قالب زیرمقوله‌ای<sup>۴۳</sup> خود را به کل ساخت تسری می‌دهد. هرچند که این یک قاعده مطلق نبوده و در برخی موارد نقض می‌گردد حال آنکه هسته معنایی سازه‌ایست که اطلاعات مفهومی‌اش در ساخت منتشر شده و ترکیب حاصل در طبقه واژه‌های مترادف<sup>۴۴</sup> یا یکی از زیرشمول‌های<sup>۴۵</sup> هسته قرار می‌گیرد (اسکالیز و گویورا، ۲۰۰۹: ۱۱۲-۱۱۱).

البته شرایط همیشه بدین منوال نیست و گاه یکی از اجزاء مشارکت‌کننده در ساخت قابلیت ایفای نقش هسته صوری، معنایی یا هردو را به صورت همزمان دارا می‌باشد بنابراین برای مشخص شدن هسته ساخت آزمون‌هایی در نظر گرفته شده است. یکی از این آزمون‌ها که در جهت تشخیص انواع هسته (هسته صوری و هسته معنایی) از آن استفاده می‌شود و در پژوهش حاضر نیز بکار گرفته شده بسته پیشنهادی اسکالیز و گویورا (۲۰۰۶) است. بدین ترتیب که با استفاده از معیارهای زیر عضوی از ترکیب که شرط حاضر در معیار را برآورده سازد می‌تواند به عنوان هسته ساخت معرفی گردد:

- معیار صوری: همسانی مقوله واژگانی مانند (اسم، فعل، صفت و غیره)، حالت، جنس، شمار.
- معیار معناشناختی: برآورده شدن شرط \_\_\_\_ یک \_\_\_\_ است<sup>۴۶</sup> / شمول معنایی<sup>۴۷</sup>.
- معیار گزینش هسته / جزء تشکیل‌دهنده - جزئی که سازه دیگر را به عنوان موضوع خود برمی‌گزیند.

در غیر اینصورت ترکیبی که فاقد هسته (معنایی) تشخیص داده شود در گروه ترکیب‌های برون‌مرکز قرار می‌گیرد (همان: ۱۹۰). به عبارت دیگر این آزمون ماهیتی سلبی را در ذات خود دارد، بدین معنی که ترکیب برون‌مرکز ساختی است که فاقد هسته معنایی باشد. البته همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد در این پژوهش علاوه بر معیارهای نظری ارائه شده در تشخیص نوع ترکیب به پیروی از سنت دیرپایی که در زبان‌شناسی وجود داشته، از شم زبانی گویشور بومی (دو تن از نگارندگان) نیز بهره گرفته شده است.

## ۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بخش حاضر ابتدا تمامی ۸۴۲ ترکیب برون‌مرکز کردی سورانی به لحاظ مقوله واژگانی اجزاء مشارکت‌کننده در ساخت مورد بررسی قرار گرفته و بر این اساس دسته‌بندی شدند. در نهایت مشخص شد یکی از ویژگی‌های ساخت

<sup>۴۳</sup> subcategorization frame

<sup>۴۴</sup> synonym

<sup>۴۵</sup> hyponymy

<sup>۴۶</sup> IS \_\_\_\_ A

<sup>۴۷</sup> the IS A condition (hyponymy)

مرکب اسمی در زبان کردی سورانی محدودیت طبقه واژگانی اجزاء مشارکت‌کننده در آنهاست، بدین ترتیب که کل داده‌ها را می‌توان در هفت الگوی متنوع، با بسامد متغیر و به ترتیبی است که در جدول شماره (۱) آمده توزیع کرد.

جدول ۱- بازنمایی الگوهای واژگانی سازه‌های مشارکت‌کننده در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی به ترتیب فراوانی

ردیف	الگوی واژگانی	بسامد	ردیف	الگوی واژگانی	بسامد
۱	[اسم-فعل] اسم	۳۹۵	۵	[صفت-اسم] اسم	۵۹
۲	[اسم-اسم] اسم	۱۶۵	۶	[قید-فعل] اسم	۱۴
۳	[اسم-صفت] اسم	۱۲۷	۷	[صفت-صفت] اسم	۱۳
۴	[حرف اضافه-اسم] اسم	۶۹	-	مجموع کل	۸۴۲

در دیگر قسمت با مدنظر قراردادن وجود یا عدم حضور هسته صوری (جزء اسمی) در ساخت، الگوهای هفتگانه مورد اشاره (جدول ۱) بالا در قالب دو طبقه اصلی به شرح ذیل دسته‌بندی شدند:

الف: اسم‌های مرکب برون‌مرکز دارای هسته صوری

ب: اسم‌های مرکب برون‌مرکز فاقد هسته صوری

بدین ترتیب با توجه به داده‌های پژوهش و دسته‌بندی آنها از هفت الگوی ترکیب مذکور در جدول شماره (۱) پنج توالی در گروه «الف»، و دو توالی ذیل گروه «ب» قرار گرفتند. شایان ذکر است که با توجه به مشخصه ذاتی روند بالا به پایین<sup>۴۸</sup> پژوهش‌های ساختی، در گام اول ابتداء کلان طرح‌واره سپس طرح‌واره‌های میانی و در نهایت ریزطرح‌واره‌های حاکم بر نمونه‌شدگی‌های مورد بررسی ترسیم شد. همان‌گونه که انتظار می‌رفت کلان‌طرح‌واره درج شده در راس سلسله‌مراتب به سبب الزام به بهره‌مندی از فراگیرترین پوشش ممکن و بیشترین سطح تعمیم‌پذیری صرفاً دربردارنده یک صورت بازنمایی بود. متعاقباً مراتب پایین‌تر نیز به سبب تخصیص یافتگی بیشتر نسبت به سطوح فوقانی و در روندی افزایشی به ترتیب با برخورداری از ۱۲ طرح‌واره میانی و ۵۴ ریزطرح‌واره ساختار هرم شکلی را تشکیل دادند. به عبارت دیگر همان‌گونه که ماده اصلی صورت‌بندی کلان‌طرح‌واره پوشش تمامی اشتراکات طرح‌واره‌های تحت حاکمیت خود می‌باشد لذا در بازنمایی سلسله‌مراتبی شاهد روند کاهشی عمومیت از راس هرم هستیم که در نهایت منجر به افزایش تعداد طرح‌واره‌های میانی و ریزطرح‌واره‌ها در قاعده می‌گردد.

۵-۱- اسم‌های مرکب برون‌مرکز دارای هسته صوری

<sup>۴۸</sup> Top down

منظور از اسم‌های مرکب دارای هستهٔ صوری آن دسته از ترکیب‌هایی است که یک یا هر دو جزء مشارکت کننده در ساخت آنها متعلق به مقولهٔ واژگانی اسم باشد، با این توضیح داده‌های مورد بررسی نشان دادند که از مجموع ۸۴۲ نمونه‌شدگی موجود ۸۲۵ مورد با ۵ الگوی ترکیب متفاوت در این زیربخش به شرحی است که در پی می‌آید. البته لازم به ذکر است که طبق بررسی‌های انجام گرفته تمامی سطوحی که در قالب دسته‌بندی‌های زیر ارائه خواهد شد تحت حاکمیت کلان طرح‌وارهٔ ذیل (شماره ۳) قرار دارد.

### (3) $[[X]_{Ai} [Y]_{Bj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i | SEM_j])_k]$

۵-۱-۱- اسم‌های مرکب برون‌مرکز [اسم - فعل] اسم

همان‌گونه که در آمار ارائه شده در جدول شماره (۱) نشان داده شد الگوی ترکیب  $[[X]_{Ni} [Y]_{Vj}]_{Nk}$  به سبب بهره مندی از بیشترین فراوانی در میان دیگر ترکیب‌های هم‌وارد زبان کردی با فراوانی ۳۹۵ نمونه‌شدگی از مجموع ۸۴۲ ترکیب برون‌مرکز یعنی ۴۶٫۹۱ درصد از کل داده‌ها را به خود اختصاص داده و در صدر قرار می‌گیرد. با علم بر این امر می‌توان گفت که تمامی اسم‌های مرکب حاصل از الگوی ترکیب فوق در قالب طرح‌وارهٔ شماره (۴) قابل توصیف می‌باشند:

### (4) $[[X]_{Ni} [Y]_{Vj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i | SEM_j])_k]$

با این توضیح فصل ممیز ریزطرح‌واره‌های منشعب از این کلان‌طرح‌واره ۱۲ حوزهٔ مفهومی (به شرح ستون دوم از جدول شماره ۲) است. در نتیجه شمار ریزطرح‌واره‌های هر الگو است با تعداد مفاهیم عینی یا انتزاعی که جزء فراترکیب برای اشاره به آنها در زبان کدگذاری شده مساوی خواهد بود.

جدول ۲- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء  $[[X]_{Ni} [Y]_{Vj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزه مفهومی	میان طرح‌واره
217	خیاط	dress.LNK-swing	barg.a-dor	PERSON	حوزه اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{Ni} [Y]_{Vj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i   SEM_j])_k]$
65	ماشین لباس شویی	Clothes – wash	dʒəl-för	OBJECTS	اشیاء	
32	دارکوب	tree-hit	dar-kot	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
17	مشرق زمین	sun-raise	çur-hatät	LOCATIONS	مکان‌ها	
14	مسابقه‌ی طناب کشی	rope-pull	güres-kef	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و	

میان طرح‌واره	حوزه مفهومی	SEM	نمونه واژه	برابرنهاد مشارکین	معادل فارسی	فراوانی
	غیره					
	گیاهان و نباتات	PLANTS	gorg-kuʒ	wolf-kill	نام گیاهی است وحشی	11
	زمان و اوقات	TEMPORALS	kaw.a-raw	patridge.LNK-hunt	فصل شکار کبک	11
	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	STATES	qol-gır	foot-take	نوعی بیماری دام	10
	مواد و داروها	SUBSTANCES	krm-koʒ	worm-kill	داروی ضد انگل	7
	مواد غذایی و اسم غذاها	EDIBLES	pandʒa-kɛʃ	finger-pull	نوعی نان	4
	پدیده‌های طبیعی	NATURAL PHENOMENONS	ʃuʒ-gıran	day-tak	کسوف	4
	اعضاء بدن	LIMBS	χwin-bar	blood-carry	رگ / شریان	3

با توجه به جدول بالا می‌توان به روشنی دریافت که الگوی مورد بررسی هم به لحاظ تعداد و هم تنوع معنایی دامنه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، لذا با این توضیح طرح‌واره شماره (۵) حداقل کلان‌طرح واره و ریزطرح‌واره‌های حاکم بر نمونه‌شدگی‌های مبتنی بر این الگو محسوب می‌گردد که شامل ۱۲ صورت مختلف بوده و فصل ممیز تمامی آنها نیز طبقه‌های معنایی مندرج در ستون SEM می‌باشد. با این توضیح که به سبب عدم وجود دسته‌بندی حوزه‌های معنایی در گویش مورد بررسی با بهره‌گیری رویکرد اکتشافی<sup>۴۹</sup> معنای ارجاعی<sup>۵۰</sup> هر کدام از آیتم‌های واژگانی با در نظر گرفتن عینی‌ترین معنای واژه در جامعه زبانی و فرهنگ‌های مرجع به صورتی که بیشترین قابلیت تعمیم را در خود داشته باشند بازشناسی و ثبت شدند.

۵-۱-۲- اسم‌های مرکب برون‌مرکز [اسم - اسم] اسم

با توجه به الگوی ترکیب می‌توان این گروه از اسم‌های مرکب برون‌مرکز را به لحاظ صوری گونه پیش‌نمونه<sup>۵۱</sup> به حساب آورد چراکه در صورت‌بندی آنها دو واحد از طبقه اسم‌ها مشارکت دارند. این طبقه به لحاظ تعداد نیز با داشتن ۱۶۵

<sup>۴۹</sup> Exploratory approach

<sup>۵۰</sup> Referential meaning

<sup>۵۱</sup> prototype

نمونه‌شدگی یعنی ۱۹,۵۹ درصد از کل داده‌ها در ردهٔ دوم فراوانی قرار دارند. شایان ذکر است که طرح‌وارهٔ میانی حاکم بر اسم‌های مرکب این طبقه به صورتی است که در شمارهٔ (5) آمده است.

(5)  $[[X]_{Ni} [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i | SEM_j])]_k$

البته لازم به ذکر است که در پاره‌ای موارد از این ترکیب‌ها به‌عنوان ترکیب‌های دو هسته‌ای نیز نام برده می‌شود. چراکه هر دو سازهٔ مشارکت‌کننده از مقوله (اسم) می‌باشند (بروهوم و مارفو، ۲۰۱۳: ۳۱).

جدول 3 - میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء  $[[X]_{Ni} [Y]_{Nj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	میان طرح‌واره
۱۹	متحد	one-tongue	iak-zeman	PERSON	حوزهٔ اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{Ni} [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i   SEM_j])]_k$
۴۳	لباس چین‌دار	waist-pleat	kamar-tjin	OBJECTS	اشیاء	
۲۳	نوعی مرغابی	donkey-head	kar-sar	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
۹	آبخیزه‌ی وسط رودخانه	camel-water	wɛʃter-ʔaw	LOCATIONS	مکان‌ها	
۱۷	رقص مختلط زن و مرد	wheat.LNK-oat	ganm.ɔ-dʒu	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۳۱	نام گیاهی است	cow-ear	ga-guɪ	PLANTS	گیاهان و نباتات	
-	-	-	-	TEMPORALS	زمان و اوقات	
۴	نوعی بیماری زبان گاو	flower.LNK-stickle	goʃ.a-das	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	-	-	-	SUBSTANCES	مواد و داروها	
۱۱	نیمرو	egg.LNK-oil	heʃka.ɔ-ran	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	
۲	برف و باران همزمان	two-share	du-dang	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	
۶	صورت، رخ	head-eye	sar-tʃaw	LIMBS	اعضاء بدن	

آنچه از جدول فوق می‌توان استنباط کرد این است که کاهش تعداد نمونه‌شدگی‌ها در تظاهر ریزطرح‌واره‌ها نیز تاثیرگذار است. چراکه در این قسمت دو حوزهٔ مفهومی زمان و مواد و داروها فاقد نمونه‌شدگی بوده و به همین تناسب طرح‌وارهٔ میانی این الگو دارای ۱۰ ریزطرح‌واره می‌باشد. به عبارت دیگر هر ردیف خالی در جدول حاضر و جدول‌های آتی

بیانگر عدم وجود واژه در این حوزه مفهومی بوده و منظور از تکرار آنها نیز بازنمایی موارد ممکن اما ناموجود در زبان و کمک به انسجام ذهنی خواننده در مقایسه الگوها با همدیگر می‌باشد.

### ۵-۱-۳- اسم‌های مرکب برون‌مرکز [اسم - صفت] اسم

نکته جالب توجه در این الگو وجود هسته صوری (اسم) و همراهی آن با صفت در جایگاه توصیف‌گر می‌باشد با این توضیح که می‌توان مقوله‌ی واژگانی ساخت را حاصل تراوش مقوله‌ی هسته بر برون‌داد به حساب آورد. این الگو به لحاظ فراوانی نیز با در اختیار داشتن ۱۲۷ نمونه‌شدگی از مجموع ۸۴۲ اسم مرکب برون‌مرکز یعنی ۱۵٫۸ درصد از داده‌ها در رده‌ی سوم قرار داشته و تمامی نمونه‌شدگی‌ها به صورت سلسله‌مراتبی تحت حاکمیت کلان‌طرح واره، طرح‌واره‌ی میانی (۶) و ریزطرح‌واره‌های مربوط به خود قرار دارند.

#### (6) $[[X]_{Ni} [Y]_{ADJj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i | SEM_j])]_k$

جدول 4 - میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء  $[[X]_{Ni} [Y]_{ADJj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابر نهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزه مفهومی	میان طرح‌واره
۴۵	غاصب	hand-longish	das-dreʒ	PERSON	حوزه اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{Ni} [Y]_{ADJj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i   SEM_j])]_k$
۳	ظرفی که یک طرفش شکسته باشد	side-broken	la-ʃkaw	OBJECTS	اشیاء	
۲۹	کفشدوزک	calf-red	gwraka-sora	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
-	-	-	-	LOCATIONS	مکان‌ها	
۴	عروسی	job.LNK-good	kar-i-ʒiɛɾ	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۲۳	گیاه خارخاسک	foot-short	pe-koʃ	PLANTS	گیاهان و نباتات	
۱	غروب	sun.LNK-yellow	ʒor.a-zard	TEMPORALS	زمان و اوقات	
۱۳	بیماری آماس گردن	neck.LNK-fat	ml.a-ʒta	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	-	-	-	SUBSTANCES	مواد و داروها	

میان طرح‌واره	حوزه مفهومی	SEM	نمونه واژه	برابرنهاد مشارکین	معادل فارسی	فراوانی
	مواد غذایی و اسم غذاها	EDIBLES	-	-	-	-
	پدیده‌های طبیعی	NATURAL PHENOMENONS	palk.a-zerin-a	hair-golden	رنگین کمان	۵
	اعضاء بدن	LIMBS	qap.a-ṭaqa	pot.LNK-stiff	برآمدگی فوزک پا	۴

با نظر به جدول بالا می‌توان دریافت که این میان طرح‌واره بر ۹ ریزطرح‌واره یعنی طبقات معنایی به همین تعداد تسلط دارد. برای مثال اسم  $d\bar{u}-b\{q\bar{w}$  در زبان کردی ترکیبی است با الگوی  $[N-Adj]_N$  و ترکیب معنایی  $[[دم] اسم - [بریده] صفت]$  اسم که در واقع مرجع آن در خارج از ساخت و نوعی «عقاب» است، در واقع کل ساخت بیانگر ویژگی هستاری است که در جایگاه فراترکیب قرار گرفته و در زبان برای اشاره به همان مرجع (نوعی عقاب دم کوتاه) واژگانی شده است.

#### ۵-۱-۴- اسم‌های مرکب برون‌مرکز [حرف‌اضافه - اسم] اسم

چهارمین الگو در صورت‌بندی اسم‌های مرکب کردی سورانی به توالی  $[[PREP - N]_N]$  تعلق دارد که به سبب حضور اسم در پایانه ساخت می‌توان طبقه‌واژگانی ساخت حاصل را به تراوش مقوله موردنظر به کل ساخت نسبت داد. علت قرار گرفتن این الگو در این رده نیز به سبب تعداد نمونه‌شدگی‌های آن است. بدین ترتیب که این توالی به علت تظاهر در ۶۹ نمونه‌شدگی از مجموع ۸۴۲ مورد نسبتی در حدود ۸٫۱ درصد کل داده‌ها را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر با توجه به مقوله‌واژگانی اجزاء مشارکت‌کننده در ترکیب می‌توان تمامی نمونه‌شدگی‌های موجود در این طبقه را ذیل میان طرح‌واره (۷) و ریزطرح‌واره‌های مرتبطی که در حدفاصل این دو قرار دارند جای داد.

$$(7) [[X]_{PREP} [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ((SEM_i | SEM_j))]_k$$

جدول 5- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء  $[[X]_{PREP} [Y]_{Nj}]_{Nk}$

میان طرح‌واره	حوزه مفهومی	SEM	نمونه واژه	برابرنهاد مشارکین	معادل فارسی	فراوانی
$[[X]_{PREP} [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ((SEM_i   SEM_j))]_k$	حوزه اشخاص و امور مربوط به شخص	PERSON	la -mamk	side-breast	نوزادی که از زنی جز مادر خودش شیر خورد	۳۸
	اشیاء	OBJECTS	bar-maṭ	front-house	جانماز	۹
	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	CREATURES	ba-gwan	with/possession-udder	گاو شیرده	۵



میان طرح‌واره	حوزه مفهومی	SEM	نمونه واژه	برابر نهاد مشارکین	معادل فارسی	فراوانی
	مکان‌ها	LOCATIONS	bar.a-taw	front.LNK-sun	محل آفتاب‌گیر	۹
	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	ACTIONS	-	-	-	-
	گیاهان و نباتات	PLANTS	-	-	-	-
	زمان و اوقات	TEMPORALS	naw-dʒɛʒnan	in-ceremonies	ماه ذی‌القعدة	۵
	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	STATES	-	-	-	-
	مواد و داروها	SUBSTANCES	-	-	-	-
	مواد غذایی و اسم غذاها	EDIBLES	-	-	-	-
	پدیده‌های طبیعی	NATURAL PHENOMENONS	-	-	-	-
	اعضاء بدن	LIMBS	naw-zɛk	in-stomach	اعضاء داخل شکمی	۳

در این بخش نیز دیده شد که با کاهش تعداد نمونه‌شدگی‌ها و به تبع آن ریزطرح‌واره‌ها نیز به تناسب کمتر می‌شوند. بدین ترتیب که در این الگو ۶ ریزطرح‌واره منشعب از طرح‌واره فوقانی قابل تشخیص است.

۵-۱-۵- اسم‌های مرکب برون‌مرکز [صفت - اسم] اسم

پنجمین و در واقع آخرین الگوی ساختی که در صورت‌بندی آن یک اسم شرکت دارد توالی  $[ADJ - N]_N$  است که ۵۹ نمونه‌شدگی یعنی ۷ درصد از کل را تحت حاکمیت خود دارد. همان‌گونه که در پیکربندی میان‌طرح‌واره (۸) نیز می‌توان دید در این توالی صفت در آغاز ساخت و اسم در پایانه آن تظاهر می‌یابد.

(8)  $[[X]_{ADJ} [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i | SEM_j])]_k$

جدول 6 - میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء  $[X]_{ADJ} [Y]_{Nj}]_{Nk}$

میان طرح‌واره	حوزه مفهومی	SEM	نمونه واژه	برابر نهاد مشارکین	معادل فارسی	فراوانی
$[Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i   SEM_j])]_k$	حوزه اشخاص و امور مربوط به شخص	PERSON	gran-bar	heavy-load	عیالوار	۲۲
	اشیاء	OBJECTS	wɛ]k.a-bard	dry.LNK-stone	دیوار سنگ چین بدون ملاط	7

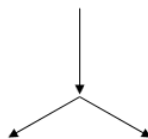
میان طرح‌واره	حوزه مفهومی	SEM	نمونه واژه	برابرنهاد مشارکین	معادل فارسی	فراوانی
	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	CREATURES	nu-zin	new-saddle	کره اسب تازه زین شده	۱۶
	مکان‌ها	LOCATIONS	nuqm.a-?aw	hidden.LNK-water	زمین غرق شده در آب	۳
	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	ACTIONS	nu-dʒeʒn	new-ceremony	اولین عید پس از مرگ شخص	2
	گیاهان و نباتات	PLANTS	sura-bna	red.LNK-root	گیاهی با ریشه‌ی قرمز رنگ	۴
	زمان و اوقات	TEMPORALS	nu-ʒian	new-life	زمان قبل از طلوع آفتاب	۲
	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	STATES	sawz-?aw	green-water	نوعی بیماری چشم	۱
	مواد و داروها	SUBSTANCES	-	-	-	-
	مواد غذایی و اسم غذاها	EDIBLES	suʔ-χwa	salty-salt	غذای شور	۲
	پدیده‌های طبیعی	NATURAL PHENOMENONS	-	-	-	-
	اعضاء بدن	LIMBS	-	-	-	-

یکی از مشخصه‌های این طبقه از اسم‌های مرکب که در بسیاری از نمونه‌شدگی‌ها تظاهر می‌یابد سببیت نهفته در ذات این گروه است. بدین ترتیب که کل ساخت می‌تواند تظاهرات عینی اسمی تلقی گردد که بر آن دلالت دارد. برای درک بهتر موضوع می‌توان از مثال (a) کمک گرفت:

a. bal.a-ʃuʔa

[[wing]<sub>N</sub> [dropped]<sub>N</sub>]<sub>N</sub>

[[bal]<sub>Ni</sub> [ʃuʔa]<sub>Adj-j</sub>]<sub>Nk</sub> ↔ [State CAUSE bird's ((wings<sub>i</sub> | drop<sub>j</sub>))]k



[[بیماری ماکیان] سبب/علامت [افتادگی] [بال]]

بدین ترتیب که این اسم‌ها با قرار گرفتن در لوای الگوی  $[[N]-[Adj]]_N$  به عاملی اشاره دارند که منجر به وضعیت حاضر می‌شوند، به عبارت دیگر بیماری (درج شده در جزء فراترکیب) علت بروز نشانه مذکور در هستار مبتلا (پرنده) تلقی می‌گردد.

### ۲-۵- اسم‌های مرکب برون مرکز فاقد هسته صوری

آنگونه که پیشتر نیز توضیح داده شد اسم‌های مرکب با الگوی ترکیب [قید - فعل] اسم و [صفت - صفت] اسم به سبب عدم دخالت جزء اسمی در پیکربندی‌شان ذیل عنوان اسم‌های مرکب برون مرکز فاقد هسته صوری مورد بررسی قرار می‌گیرند. باوئر (۲۰۱۰) از نمونه‌شدگی‌هایی با این مشخصه ذیل عنوان اسم‌های مرکب تغییرمقوله<sup>۵۲</sup> نام می‌برد، بدین معنی که هردو جزء مشارکت کننده در ساخت مقوله واژگانی خود را از دست داده و در نهایت حاصل پیوند این دو جزء منجر به صورت‌بندی واژه‌ای از مقوله اسم می‌شود.

### ۱-۲-۵- اسم‌های مرکب برون مرکز [قید - فعل] اسم

اولین صورت‌بندی اسم‌های مرکب فاقد جزء اسمی ترکیب‌هایی با توالی  $[[ADV]-[V]]_N$  هستند که ضمن تظاهر در ۱۴ نمونه‌شدگی با ۱,۵۴ درصد از کل در رده ششم فراوانی قرار دارند. با این توضیح میان‌طرح‌واره حاکم بر این اسم‌ها به ترتیب (۹) و شرح ریزطرح‌واره‌های آن نیز به صورت جدول ذیل می‌باشد.

$$(9) [[X]_{ADV_i} [Y]_{V_j}]_{NK} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i | SEM_j])]_k$$

جدول 7 - میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء  $[[X]_{ADV_i} [Y]_{V_j}]_{NK}$

فرآوانی	معادل فارسی	برابر نهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزه مفهومی	میان طرح‌واره
۱۰	پر حرف	very-say	zur-bez	PERSON	حوزه اشخاص و امور مربوط به شخص	$[Y]_{V_j}]_{NK} \leftrightarrow [SEM ([SEM_i   SEM_j])]_k$
-	-	-	-	OBJECTS	اشیاء	

<sup>۵۲</sup> transpositional

میان طرح‌واره	حوزه مفهومی	SEM	نمونه واژه	برابر نهاد مشارکین	معادل فارسی	فراوانی
	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	CREATURES	wɛʃk.a-tʰ	dry.LNK-go	اسب تعلیم ندیده	۱
	مکان‌ها	LOCATIONS	nɪw.a-bɿ	half.LNK-cut	مسیر میان بر	۱
	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	ACTIONS	-	-	-	-
	گیاهان و نباتات	PLANTS	kaɫ-kan	unripe-pick	میوه‌ی کال چیده شده	۲
	زمان و اوقات	TEMPORALS	-	-	-	-
	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	STATES	-	-	-	-
	مواد و داروها	SUBSTANCES	-	-	-	-
	مواد غذایی و اسم غذاها	EDIBLES	-	-	-	-
	پدیده‌های طبیعی	NATURAL PHENOMENONS	-	-	-	-
	اعضاء بدن	LIMBS	-	-	-	-

بدین ترتیب ششمین طبقه از اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی دارای الگوی توالی [[قید] [فعل]] اسم هستند که در آنها جزء فعلی و توصیف‌گری از نوع قید شرکت داشته و چگونگی یا کمیت انجام عمل مورد اشاره در ساخت را به جزء فراترکیب نسبت می‌دهد.

۵-۲-۲- اسم‌های مرکب برون‌مرکز [صفت - صفت] اسم

دومین الگوی ذیل نام ترکیب‌های فاقد جزء هسته یا تغییرمقوله در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی نمونه‌شدگی‌هایی با توالی [ADJ - ADJ]<sub>N</sub> هستند. این طبقه با داشتن ۱۳ نمونه‌شدگی و ۱,۴۳ درصد کمترین فراوانی را دارد. البته لازم به ذکر است این ترکیب‌ها نیز علیرغم عدم وجود هسته صوری جزو ترکیب‌های اسمی محسوب شده و می‌توان آنها را در قالب طرح‌واره ذیل (۱۰) این‌چنین بازنمایی کرد:

$$(10) [[X]_{ADJ} [Y]_{ADJ}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM ((SEM_i | SEM_j))]_k$$

در واقع ترکیب‌های برون‌مرکز و به‌صورت مشخص‌تر در این طبقه از ترکیب‌ها هسته همان هسته معنای محذوفی است که در جزء فراترکیب و به عبارتی در لایه مفهومی پنهان کدگذاری شده اما به واسطه قراردادی شدن ترکیب موردنظر در زبان مشخصا به آن هستار دلالت دارد.

جدول 8 - میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء  $[[X]_{ADJ_i} [Y]_{ADJ_j}]_{NK}$

فرآوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزه مفهومی	میان طرح‌واره
۲	خل و گیج و منگ	lame.LNK-mad	ʃal-u.ʃet	PERSON	حوزه اشخاص و امور مربوط به شخص	[[X] <sub>ADJ<sub>i</sub></sub> [Y] <sub>ADJ<sub>j</sub></sub> ] <sub>NK</sub> ↔ [SEM <sub>i</sub> (   SEM <sub>j</sub> )] <sub>NK</sub>
-	-	-	-	OBJECTS	اشیاء	
۸	پرنده‌ی سبزقا	green-blue	sawz-kaw	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
۲	چاله‌ی پوشیده از خاشاک	alive.LNK-dead	zinda-u.merda	LOCATIONS	مکان‌ها	
-	-	-	-	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۱	گیاهی است بدبو با برگهای زردرنگ	smelly-yellowish	ganka-zarda	PLANTS	گیاهان و نباتات	
-	-	-	-	TEMPORALS	زمان و اوقات	
-	-	-	-	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	-	-	-	SUBSTANCES	مواد و داروها	
-	-	-	-	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	
-	-	-	-	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	
-	-	-	-	LIMBS	اعضاء بدن	

همان‌گونه که گفته شد باوئر (۲۰۱۰) دو گروه پایانی دسته‌بندی موجود را به‌سبب عدم مطابقت مقوله واژگانی سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت و مقوله برون‌داد از آنها با عنوان ترکیب‌های تغییرمقوله نام می‌برد، به این معنا که هیچ‌کدام از آنها عضو طبقه اسم‌ها به‌حساب نمی‌آیند اما کل سازه دال بر مفهومی از طبقه اسم‌ها محسوب می‌گردد. در کردی سورانی دو الگوی [صفت - صفت] اسم و [صفت - فعل] اسم جزو این دسته از اسم‌های مرکب هستند.

نکته جالب توجه در تحلیل ترکیب‌های اسمی این گروه تخصیص هر دو سازه دارای تظاهر عینی به‌مثابه توصیف‌گری برای هستار خارج از ساخت تفسیر می‌گردد. به عبارت دیگر گویی کل ساخت توصیف‌گری برای جزء فراترکیب بوده که به‌واسطه استعمال موصوف حذف شده باشد. با این توصیف توالی سه بخشی شامل هسته/ موصوف و دو صفت متوالی برای توضیح آن به دو بخش تقلیل یافته است. به بیان دیگر می‌توان چنین به قضیه نگریست که در این ساخت‌ها هم‌آیی دو صفت بیانگر این معنای ضمنی است که اجتماع این دو مشخصه در یک مرجع اسمی است پس اهل‌زبان نیز نه به‌خاطر صرف قراردادی شدن کلمه در واژگان ذهنی بلکه با اتکا بر این هم‌آیندی این ویژگی‌ها برای اشاره به اسم خارج از ساخت معنای آنها را استنباط می‌کنند.

## ۶- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف توصیف الگوهای ترکیب، تفسیر روابط معنایی میان اجزاء و دسته‌بندی اسم‌های مرکب برون‌مرکز، درصدد گشایش فصل نوینی از تحلیل واژه‌های مورد بررسی در کردی سورانی به انجام رسید تا بتوان از نتایج حاصل در دستیابی به نظام طرح‌واره‌ای حاکم بر اسم‌های مرکب برون‌مرکز و بازنمایی سلسله‌مراتب واژگانی<sup>۵۳</sup> نزد گویشور کردی سورانی بهره برد. با این توضیح جستار حاضر توانست که براساس ۸۴۲ اسم مرکب برون‌مرکز از مجموع ۱۴۰۰ ترکیب اسمی به ۵۴ ریزطرح‌واره، هفت طرح‌واره‌های میانی و یک کلان‌طرح‌واره که به صورت سلسله‌مراتبی بر تمامی این طبقه از ترکیب‌ها حاکمیت دارند دست یابد. لذا با استفاده از یافته‌های پژوهش می‌توان نظام طرح‌واره‌ای حاکم بر اسم‌های برون‌مرکز کردی سورانی را در قالبی این‌چنینی ترسیم کرد:

جدول ۹- نظام طرح‌واره‌گی حاکم بر اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی

[[X] <sub>Ai</sub> [Y] <sub>Bj</sub> ] <sub>Nk</sub> ↔ [SEM ([SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )] <sub>k</sub>								فراوانی
[[X] <sub>Ni</sub> [Y] <sub>Vj</sub> ] <sub>Nk</sub> ↔ [SEM ([SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )] <sub>k</sub>								
[[X] <sub>Ni</sub> [Y] <sub>Nj</sub> ] <sub>Nk</sub> ↔ [SEM ([SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )] <sub>k</sub>								
[[X] <sub>Ni</sub> [Y] <sub>ADJj</sub> ] <sub>Nk</sub> ↔ [SEM ([SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )] <sub>k</sub>								
[[X] <sub>PREPj</sub> [Y] <sub>Nj</sub> ] <sub>Nk</sub> ↔ [SEM ([SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )] <sub>k</sub>								
[[X] <sub>ADJi</sub> [Y] <sub>Nj</sub> ] <sub>Nk</sub> ↔ [SEM ([SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )] <sub>k</sub>								
[[X] <sub>ADVj</sub> [Y] <sub>Vj</sub> ] <sub>Nk</sub> ↔ [SEM ([SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )] <sub>k</sub>								
[[X] <sub>ADJi</sub> [Y] <sub>ADJj</sub> ] <sub>Nk</sub> ↔ [SEM ([SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )] <sub>k</sub>								
<b>[PERSON</b> ((SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )) <sub>k</sub>	۲	۱۰	۲۲	۳۸	۴۵	۱۹	۲۱۷	۳۵۳
<b>[OBJECTS</b> ((SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )) <sub>k</sub>	-	-	۷	۹	۳	۴۳	۶۵	۱۲۷
<b>[CREATURES</b> ((SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )) <sub>k</sub>	۸	۱	۱۶	۵	۲۹	۲۳	۳۲	۱۱۴
<b>[PLANTS</b> (SEM <sub>i</sub>   SEM <sub>j</sub> )) <sub>k</sub>	۱	۲	۴	-	۲۳	۳۱	۱۱	۷۲

<b>[LOCATIONS ((SEM<sub>i</sub>   SEM<sub>j</sub>))<sub>k</sub></b>	۲	۱	۳	۹	-	۹	۱۷	۴۱
<b>[ACTIONS ((SEM<sub>i</sub>   SEM<sub>j</sub>))<sub>k</sub></b>	-	-	۲	-	۴	۱۷	۱۴	۳۷
<b>[STATES ((SEM<sub>i</sub>   SEM<sub>j</sub>))<sub>k</sub></b>	-	-	۱	-	۱۳	۴	۱۰	۲۸
<b>[TEMPORALS ((SEM<sub>i</sub>   SEM<sub>j</sub>))<sub>k</sub></b>	-	-	۲	۵	۱	-	۱۱	۱۹
<b>[EDIBLES ((SEM<sub>i</sub>   SEM<sub>j</sub>))<sub>k</sub></b>	-	-	۲	-	-	۱۱	۴	۱۷
<b>[LIMBS ((SEM<sub>i</sub>   SEM<sub>j</sub>))<sub>k</sub></b>	-	-	-	۳	۴	۶	۳	۱۶
<b>[NATURAL PHENOMENONS ((SEM<sub>i</sub>   SEM<sub>j</sub>))<sub>k</sub></b>	-	-	-	-	۵	۲	۴	۱۱
<b>[SUBSTANCES ((SEM<sub>i</sub>   SEM<sub>j</sub>))<sub>k</sub></b>	-	-	-	-	-	-	۷	۷
<b>TOTAL NUMBER OF THE COLUMN</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۵۹</b>	<b>۶۹</b>	<b>۱۲۷</b>	<b>۱۶۵</b>	<b>۳۹۵</b>	<b>۸۴۲</b>

شایان ذکر است اسم‌های مرکب کردی سورانی به لحاظ معنایی در قالب ۱۲ حوزه مفهومی قابل دسته‌بندی هستند. البته در قالب تحلیل‌های انجام گرفته مشخص شد که حوزه‌های مفهومی دوازده‌گانه فوق در اصطلاح جزو امکانات معنایی ترکیب در کردی سورانی محسوب می‌شوند اما با توجه به نمونه‌شدگی‌های موجود می‌توان گفت که هر طرح‌واره میانی طیف متنوعی از این واژه‌های ممکن را برگزیده و مورد استفاده قرار داده است. بدین ترتیب که در بیشینه‌ترین حالت یک طرح‌واره تمامی این حوزه‌ها را در خود دارد و در کمینه‌ترین حالت دو طرح‌واره تنها از چهار مورد بهره برده‌اند. البته بایستی این نکته را نیز خاطرنشان کرد که تمامی اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی به نوعی با مفاهیم و حوزه‌های عینی و ملموس در ارتباط بوده و امور انتزاعی در این سیاهه جایی ندارند. البته تنوع و تکرار حوزه‌های مفهومی نیز در بطن خود ویژگی‌های منحصر به فردی را نیز در خود دارند برای نمونه ریزطرح‌واره‌های دال بر مفهوم انسان و عوامل انسانی در تمامی هفت سطح میانی دارای نمونه‌شدگی‌هایی می‌باشد حال آنکه این عمومیت قابل تعمیم به کل نبوده و مواردی همچون مواد و داروها جز در یک طرح‌واره فرصت حضور پیدا نکرده‌اند. از دیگر موارد قابل توجه بحث وراثت<sup>۴۴</sup> در پیکربندی ترکیب‌های اسمی در زبان کردی است، بدین ترتیب که ساخت مرکب مشخصه‌های صوری و معنایی خویش را از طرح‌واره مسلط بر خویش به ارث می‌برد و نه از اجزائی که صورت‌بندی آن مشارکت دارند، چراکه در غیر اینصورت طبقه واژگانی ترکیب‌های تغییرمقوله قابل توجیه نمی‌باشد. چراکه در این صورت بایستی حاصل ترکیب اجزاء [ADV - V]<sub>N</sub> و [ADJ - ADJ]<sub>N</sub> به ترتیب یک صفت یا قید و فعل می‌بود در حالی که دیدیم مقوله واژگانی نمونه‌شدگی‌های برآمده از این الگوها واژه‌ای از طبقه اسم به حساب می‌آید. لازم به ذکر است که این استدلال را می‌توان نقیضی بر اصل ترکیب‌پذیری<sup>۴۵</sup> نیز به حساب آورد و تاییدی بر این ادعا در صرف ساختی دانست که ترکیب‌پذیری نه تنها در ترکیب‌های برون‌مرکز بلکه در تحلیل معنایی اسم‌های درون‌مرکز نیز محلی از اعراب نداشته و واژه‌های مرکب مشخصه‌های صوری و معنایی خویش را از طرح‌واره حاکم بر خود به ارث می‌برند.

<sup>۴۴</sup> inheritance

<sup>۴۵</sup> compositionality

## منابع

- ایمانی، آوا، رفیعی، عادل، و عموزاده، محمد. (۱۳۹۷). تحلیلی ساخت محور از ترکیبات نام اندام «دل» در زبان فارسی. پژوهش های زبانی، ۹(۲)، ۲۳-۴۳.
- ایمانی، آوا، و رفیعی، عادل. (۱۳۹۸). تحلیلی ساخت محور از ترکیبات نام اندام «سر» در زبان فارسی. زبان پژوهی، ۱۱(۳۳)، ۱۲۹-۱۵۹.
- ایمانی، آوا، و رفیعی، عادل. (۱۳۹۸). چندمعنایی ترکیبات «چشم» در زبان فارسی: رویکرد صرف ساختی. زبان شناسی و گویش های خراسان (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، ۱۱(۲) (پیاپی ۲۱)، ۱۱۵-۱۴۰.
- بامشادی، پارسا، و انصاریان، شادی. (۱۳۹۹). نقش طرح‌واره های مرتبه دوم در تحلیل ساختارهای [اسم + شناسی / نگاری / کاوی] و صفت های متناظر آن ها در زبان فارسی. جستارهای زبانی، ۱۱(۱) (۵۵)، ۳۰۱-۳۲۸.



بهرامی خورشید، سحر. یزدانی مقدم، روزبهان. (۱۴۰۰). چندمعنایی در ترکیب‌های دارای ساخت [X be-VPRES]:  
تحلیلی در چارچوب نظری صرف ساخت. پژوهش‌های زبانی، ۱۲(۱)، ۲۷-۴۷.

بهرامی خورشید، سحر، و قندی، سعیده. (۱۳۹۹). بررسی واژه‌های مشتق مختوم به پسوند «ار» در زبان فارسی از منظر  
صرف ساخت. پژوهش‌های زبانی، ۱۱(۱)، ۲۵-۴۸.

بهرامی خورشید، سحر، و نامداری، اسما. (۱۳۹۸). بررسی افعال پیشوندی در زبان فارسی از منظر صرف ساخت. مطالعات  
زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۷(۲۵)، ۳۵-۵۵.

دیوانی سنندج، نسترن. فطره، فریبا. (۱۴۰۱). تصریف فعل در گُردی سنندجی در چارچوب ساختواژ ساختی، مطالعات زبان‌ها  
و گویش‌های غرب ایران. ۱۱ (۲). صص ۱۹-۱.

رزم‌دیده، پریا، و شاهی راویز، محمدحسن. (۱۴۰۰). بررسی چندمعنایی فعل‌های مرکب فارسی با همکرد گرفتن بر اساس  
نظریه صرف ساختی. زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی، ۶(۲) (پیاپی ۹)، ۲۱۳-۲۵۲.

رفیعی، عادل و ترابی، سارا (۱۳۹۳). وراثت و انگیزگی رابطه صورت و معنی در واژگان: نمونه‌هایی از واژه‌سازی زبان  
فارسی، علم زبان: سال ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

رفیعی، عادل، و رضایی، حدائق. (۱۳۹۸). ساخت اسامی مشتق از پسوند «گر» از منظر صرف ساختی. جستارهای زبانی،  
۱۰(۳) (پیاپی ۵۱)، ۷۱-۹۴.

شاهوردی شهرکی، فاطمه. کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. دبیرمقدم، محمد و گلغام، ارسلان. (۱۳۹۸). دوگان سازی فعل در  
زبان فارسی در رویکرد صرف ساخت. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۷(۲۶)، ۷۳-۸۹.

شرف‌کندی، عبدالرحمن. (۱۳۶۹). فرهنگ کردی-کردی و کردی-فارسی: هه‌نبانه‌بورینه، انتشارات سروش، تهران، ایران.

صفری، علی و نیک‌نسب، لیلا. (۱۳۹۹). تحلیل واژه‌سازی زبان فارسی بر اساس نظریه صرف ساخت بنیاد: شواهدی از  
کلمات مرکب. زبان پژوهی، ۱۲(۳۶)، ۱۶۵-۱۸۶.

عباسی، زهرا. (۱۳۹۶). واژه‌های غیربسیط فارسی در صرف ساختی و صرف واژگانی، دو ماهنامه جستارهای زبانی. دوره ۸  
شماره ۳. صص: ۹۳-۶۷.

عظیم دخت، ذلیخا، رفیعی، عادل، و رضایی، حدائق. (۱۳۹۷). تنوعات معنایی واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال «یاب»  
در زبان فارسی: رویکرد صرف ساختی. پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱۰(۲) (پیاپی ۱۹)، ۸۳-۱۰۱.

عظیم دخت، ذلیخا، رفیعی، عادل، و رضایی، حدائق. (۱۳۹۷). تنوعات معنایی واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال «یاب»

در زبان فارسی: رویکرد صرف ساختی. پژوهش های زبان شناسی، ۱۰(۲) (پیاپی ۱۹)، ۸۳-۱۰۱.

عظیم‌دخت، ذلیخا. رفیعی، عادل. (۱۳۹۸). واژه های مرکب مختوم به ستاک حال «پز» با مفهوم عامل محور ازمنظر صرف ساختی. پژوهش های زبان شناسی تطبیقی، ۹(۱۷)، ۴۵-۱۹.

کریمی، کورش. نجفیان، آرزو. مهدی بیرقدار، راضیه و حسینی معصوم، سید محمد. (۱۴۰۲). بازخوانی مفهوم ترکیب در ساختواژه کردی سورانی: بررسی اسم‌های مرکب درون‌مرکز با رویکرد صرف ساختی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، دوره ۱۲ شماره ۱.

مردوخرواحانی، ماجد (۱۳۹۳). فرهنگ فارسی-کردی دانشگاه کردستان؛ انتشارات دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

## References

- Aikhenvald, Alexandra Y. (۲۰۰۷). Typological distinctions in word-formation. In T. Shopen (ed.), *Language typology and syntactic description Vol. III: Grammatical categories and the lexicon* (۱-۶۵). Cambridge: Cambridge University Press.
- Appah, Clement. (2017). Exocentric compounds in Akan. *WORD Structure*. 10 (2), 139- 172.
- Bauer, Laurie. (2010). The typology of exocentric compounds. In S. Scalise & I. Vogel (eds.), *Cross-disciplinary issues in compounding* (167-175). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Blau, J. (2000). *Manuel De Kurde: Sorani*. Editions L'Harmattan.
- Booij, G. (2010). *Construction Morphology*. Oxford University Press.
- Booij, Geert E. (2002). *The Morphology of Dutch*. Oxford: Oxford University Press.
- Booij, Geert E. (2007a). Construction Morphology and the Lexicon. In *Selected proceedings of the 5th Décebrettes: Morphology in Toulouse* (eds) F. Montermini, G. Boyé & N. Hathout. Cascadilla Proceedings Project. Toulouse: Cascadilla.
- Booij, Geert E. (2007b). *The grammar of words: an introduction to linguistic morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- Broohm, O. N., & Marfo, C. O. (2023). Noun-noun compounding in Esahie. *Ghana Journal of Linguistics*, 12(3).
- Dressler, Wolfgang U. (2006). Compound types. In G. Libben & G. Jarema (eds.), *The representation and processing of compound words* (23-44). Oxford: Oxford University Press.
- Fatah, A., & Hamawand, Z. (2014). A prototype approach to kurdish prefixes. *International Journal on Studies in English Language and Literature (IJSELL) Volume, 2*, 37-49.
- Fromkin, Victoria, R. Rodman, P. Collins & D. Blair. (1996). *An Introduction to Language*. Sydney: Harcourt Brace.

- Goldberg, A. E. (2009). Constructions Work. *Cognitive Linguistics*, 20(1), 201-224.
- Hamawand, Z. (2011). *Morphology In English: Word Formation In Cognitive Grammar*. A&C Black.
- Jackendoff, Ray S. (2009). The Parallel Architecture and Its place in Cognitive Science. In B. Heine & H. Narrog (eds.), *Oxford Handbook of Linguistics Analysis* (583-605). Oxford: Oxford University Press.
- Jackendoff, Ray. (2009). 'The Ecology of English Noun-Noun Compounds', in *Meaning and the Lexicon: The Parallel Architecture, 1975–2010*. Oxford University Press, pp. 413–451.
- Karacan, H. and Khalid, H. S. (2016). Adjectives in Kurdish language: Comparison between dialects. *International Journal of Kurdish Studies*, 2(2).
- Katamba, Francis X. (1993). *Morphology*. Basingstoke: Macmillan.
- Mardukh Ruhani, M., Sanandaji, M, Pashabadi, Y and Karimyan, M. (2006). *Kurdish Persian dictionary* (3 Vols.). Sanandaj: Kurdistan University press (In persian).
- McCarus, E. M. (2007). Kurdish morphology. *Morphologies of Asia and Africa*, 2:1021–1049.
- Scalise, Sergio & Guevara, Emiliano. (2006). Exocentric compounding in a typological framework. *Lingue e Linguaggio*. 5. 10.1418/23143.
- Smith, B. C. (2014). *Compounding And Incorporation in The Ket Language: Implications for A More Unified Theory of Compounding*, Dissertation for Master of Arts, University of Kentucky.
- Stekauer, Pavol, Salvador Valera & L via Körtv Iyessy. (2012). *Word-Formation in the World's Languages: A typological survey*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Walther, G. (2012). Fitting into morphological structure: accounting for Sorani Kurdish endoclitics. In *Mediterranean Morphology Meetings*, volume 8, pages 299–321.

## **Hierarchical Schematicity in the Configuration of Sorani Kurdish Exocentric Compounds Based on Booij's Construction Morphology**

### **Abstract**

The present paper is an attempts to obtain the hierarchical Schematic system governing the formation of Sorani Kurdish exocentric nominal compounds an endeavor to achieve their general meaning making model via the application of analytical-descriptive method based on Booij's

(2010) construction morphology framework. In the first phase (data collection) 1400 nominal compounds found in Kurdish-Persian dictionary of Hahnbane Burina (Sharafkandi, 1991) and Persian-Kurdish dictionary of university of Kurdistan (2014). Data analysis phase initiated with the identification of exocentric nominal compounds among the provided corpus by making use Scalise and Goyura's (2011) hyponymy test beside two of the author's judgement as native speakers of Sorani Kurdish. Finally 842 instantiations or 60percent of whole found Exocentric. The obtained results showed that Sorani Kurdish exocentric compounds dominated by one Macro-Schema, 12 Second order-Schemas and 54 sub-Schemas. Results of the research can be counted as a proof for the fact that nominal compounds of this type neither in form nor in semantic specifications are not in total agreement with constituting elements. In other word the rupture of motivation and blockage of the relationship between form and meaning is not a general feature among all exocentric compounds while instantiations of this type cover a wide range of words with less dark meaning to absolutely dark lexical items. Accordingly Some of the nominal compounds don't benefited from formal head while the output constructions fall under Noun as their parts of speech thus it is the scheme which are effective both in determination of formal and semantic characteristics manifested in the output.

**Keyword:** Sorani Kurdish, Construction Morphology, Nominal Compounds, Exocentric, Hierarchical Schematicity.